

نگاه

گپ و گفتی با «محمد طباطبایی» جوان ترین هنرمند چهارمین حراج تهران

حراج تهران مسبب فروش جدی آثار هنری

| آرزو جعفریان | روزنامه نگار

نقاشی کلاسیک در آن قابل مشاهده بود. به علاوه هنرمندان جوان نیز حضور پررنگ تری نسبت به دوره قبل داشتند و به نظر من این موضوع نقطه مثبت حراج امسال تهران بود. وی درباره اثری که در حراج ارائه داده است نیز توضیح داد: این نقاشی در ادامه و برای نخستین بار در حراج تهران عرضه شده است. این نقاشی در سال ۹۳ با تکنیک اکریلیک روی بوم کار شده و ابعاد آن ۱۲۰ در ۱۸۰ سانتی متر است. در این نقاشی نوعی فضای ناامن دیده می شود که به وسیله فیگوری سیاه پوش و دو ببر ایجاد شده است هر چند فیگور اصلی تابلو که لباسی سفید دارد نسبت به شرایط ایجاد شده بی اعتناست زیرا من خواهد نگویید که می تواند از خودش مراقبت کند.

او که در آثارش از بدن های بی کالبد و تصویر حیوانات بهره می گیرد، افزود: این روزها در دنیا معنای ظاهری بیشتر از معنای درونی انسان اهمیت پیدا کرده است. سیستم سرمایه داری و امپریالیسم توجه افراد را به سمت مسائل ظاهری و مد برده است. با آن که توجه به ظاهر امر بدی نیست اما ساعات های زیادی از وقت افراد را می گیرد و ذهن افراد را درگیر می کند، در واقع سیستم سرمایه داری هیچ انتخابی را به افراد نمی دهد، آنها یا باید با آن همراه شوند یا به انزوا روند. از طرف دیگر تصویر نکردن سرهای این فیگورها به خاطر آن بوده که مخاطب به کار دخیل شود و آن گونه که می خواهد به لحاظ ذهنی با اثر ارتباط برقرار کند و کار را ببیند و حیوانات نیز از کتاب هایی چون قلعه حیوانات جورج اورول، موش و گربه عبید زاکاتی، کلبه و دمنه و حتی از کار تون های کودکی به آثارم راه یافتند. وقتی با استعاره از حیوانات، موضوعی مطرح می شود، ذهن بیننده را سیال تر می کند تا آن گونه که راحت نیست است با کار ارتباط برقرار کند. علاوه بر این می توان گفت که از دوره غارنشینی، حیوانات برای انسان ها جذاب بوده اند تا جایی که برای بیان خصوصیات افراد مثال هایی از حیوانات می آوردند.



این هنرمند جوان بنا بر موضوعات مد نظرش پالت رنگی آثارش را انتخاب می کند، مثلا برای نشان دادن درنده خوینی و نگاه وحشی افراد رنگ قرمز را به کار برده و برای بیان فضای سرد از رنگ آبی استفاده کرده است. در این بین، رنگ ها در بعضی از آثار براساس دیالوگی که هنرمند با اثر برقرار کرده روی بوم پدیدار است.

مجموعه «عجیب تر از بهشت» آخرین مجموعه نقاشی های طباطبایی است که حراج تهران در چهار سال گذشته باعث شد هنرمندانی که در حراج حضور دارند و هم است. به علاوه برگزاری حراج در چند دوره گذشته نظر دیگر سرمایه داران را نیز به خود جلب کرده و فعالیت اقتصادی در زمینه هنر را افزایش داده است. طباطبایی با اشاره به بیتر شدن تعداد آثار و هنرمندان در حراج تهران نیز گفت: این موضوع برای من بسیار جالب بود و به علاوه آثاری که در حراج وجود داشت، می توانست همه سلیقه ها را پوشش داده و مخاطبان حراج را به خود جلب کند. همچنین وجود آثار کلاسیک ایرانی نیز بسیار قابل توجه بود

و دوره های مختلف



چهارمین حراج تهران در حالی در بعدازظهر هشتم خردادماه سال جاری در هتل پارسیان آزادی با فروش ۲۱ میلیارد و ۴۰ میلیون تومان به کار خود پایان داد که ۱۲۶ اثر از ۱۰۹ هنرمند را به اجرا میز حراج فرستاد. رضا کبانیان و حسین پاکدل حراج من های این دوره حراج تهران بودند که به خوبی از پس این کار برآمدند و پرفورمانسی حرفه ای را پشت تریبون حراج به اجرا گذاشتند. در این دوره حسین پاکدل نامی آشنا برای اهالی فرهنگ و هنر، آثار کلاسیک که برای نخستین بار به حراج تهران اضافه شده بودند را چکش زد. نقاشی هایی از کمال الملک، حسن زرین قلم، منصور قندریز، اسماعیل آشتیانی، جعفر پتگر، محمد حیدریان، علی رخساز و... در این قسمت تازه حراج تهران حضور داشتند. برخی از هنرمندان که اثرشان در این حراج چکش خورد، سال هاست که مرحوم شده اند و حراج تهران رکوردی تازه برای هنرشان رقم زد. در چهارمین دوره از حراج تهران شاهد قرار گرفتن نام های هنرمندان پیشکسوت و جوان در کنار هم بودیم. تعداد زیادی هنرمند جوان در این رویداد هنری حضور داشتند که در این میان می توان به نام های آشنایی چون بیتا وکیلی، شهریار احمدی، فرناز ربیعی جاه، مونا علیزیا آستانه و بسیاری دیگر اشاره کرد اما جوان ترین هنرمند، حراج تهران «محمد طباطبایی» ۲۸ ساله بود که با نقاشی دیده نشده از مجموعه «عجیب تر از بهشت» در این حراج حضور داشت. او از نظر سن حدود عسال از هنرمند پیش از خود، کوچکتر بود و به عنوان جوان ترین هنرمند حراج، اثرش با فروش ۲۶ میلیون تومانی به رکوردی تازه دست یافت.

محمد طباطبایی که با تابلوی نقاشی ۱۲۰ در ۱۸۰ در این رویداد هنری شرکت داشت، درباره برگزاری حراج های هنری گفت: این که برگزاری حراج به نظر بعضی افراد مثبت نیست برای من عجیب است. زمانی که سن در سال ۸۴ به هنرستان می رفتم، برای بچه ها تصور این که کسی بتواند سال ها بعد کارهایش را بفروشد ممکن نبود و همه فکر می کردند که تحصیل در زمینه نقاشی

کارنامه ای هم که در دوره های گذشته بر جا گذاشتم نشان می دهد که دنبال هدف اقتصادی نبودیم، نیستیم و نخواهیم بود. باید تعداد حراج ها در کشور بیشتر شود یا فرصت های دیگر پیش بیاید که به واسطه آن ها هنرمندان بیشتری معرفی شوند.

نیاپداز ۱۲٪ بیشتر باشد!

هر حراجی مجبور است به مصالحه هایی با گالری ها تن بدهد و به مجموعه داران بزرگ که ضامن موفقیت حراج هستند، توجه کند. بی توجهی به آنها که می خواهند یک کار (نسبتا ضعیف) را به حراج وارد کنند، باعث می شود حراج کلیت خود را در مخاطره بیند؛ ولی تعداد این گونه آثار نباید از ۱۰ درصد کل آثار ارایه شده در حراج بیشتر باشد. کارهایی که ضعیف جلوه می کنند، در حراج تهران که ۱۲۰ اثر در آن ارایه می شود، از ۱۲ عدد بگذرد. برای این اتفاق بیفتد اعتبار حراج زیر سوال می رود؛ اما باید این ۱۰ درصد را بپذیریم، چون یک گالری که یک سال است فعالیت دارد و هنرمند به جامعه معرفی می کند. سرمایه شخصی خودش را در جهت توسعه هنر و معرفی هنرمند به جریان انداخته است. حالا ما نباید به عنوان قدرشناسی و انگیزه دادن، یک آرتیست را قبول کنیم؟ اگر این کار را نکنیم، به زحمت دیگران بی توجهی کردیم.

حراج تهران مالیات پرداخت می کند

ما برای برگزاری حراج تهران مالیات پرداخت می کنیم؟ آثار هنری به شرطی که اظهار شوند، از پرداخت مالیات معاف هستند. این حال مالیات های دیگری هست که باید پرداخت کنیم، مثل مالیات پرسنل و اجاره هتل یا دیگر کارهای اجرایی. عملیات برگزاری مالیات دارد که ما باید آن را پرداخت کنیم، ولی خود خرید و فروش آثار هنری مالیات ندارد.

تومان چکش خوردی بود! با اشاره به این که اگر حراج تهران را بزرگترین رویداد تجسمی کشور بدین معنی به گراف نگفته ایم، اظهار داشت: برگزار کنندگان حراج تهران ثابت کردند که دانش و تجربه و اعتبار لازم را جهت معرفی هنر و آثار هنری به جامعه و حتی جهان ارزش گذاری این گونه آثار دارند. حراج تهران بعد بین المللی هم داشت و در بسیاری از رسانه های بین المللی انعکاس داشت ولی قطعاً هنرهای تجسمی و دوستاندار و خریداران آن پتانسیل بیشتری از آنها دارند و انتظار جامعه هنری آن است که این حراج بتواند حداقل دو دوره در سال برگزار شود و حتی این مراسم در خارج از کشور هم باشکوه برگزار شود چون هنرمندان شایسته ای وجود دارند که هنوز به این حراج راه نیافته اند. برگزاری دو دوره در سال می تواند تعداد دیگری از این هنرمندان را که تاکنون مشارکت نداشته اند نیز شامل شود. وی افزود: حراج تهران برای این که بتواند موفق باشد نیاز به تعدادی قهرمان داشت که رکورد چشمگیری را بتواند رقم بزند البته این استراتژی درست بود و جواب هم داد. از حراج سوم به بعد قرعه این فال به نام سهراب سپهری نقش و شاعر بلند گزشتند، بنابراین بازار به این آثار روی خوش نشان داد و استقبال کرد و این استراتژی درست هم تا تاریخ مصرفی دارد و حراج پنجم باید از این استراتژی عبور کند تا نسلی زیر سایه نسل دیگر قرار بگیرد ولی از طرفی حضور ماهی های معتبری چون سهراب سپهری خود اعتبار یک حراج هستند و به عبارتی باید هم باشند و هم نباید باشند بدین معنی که آثار هنری در گذشتگان به تنهایی یک حراج مستقل و جداگانه ای می طلبد و نباید کنار هنرمندان نسل سوم و چهارم قرار گیرد.



تعدادی است که حراج تهران در یک دوره ۱۰ ساله می تواند معرفی کند. پس بقیه باید چه کار کنند؟ اگر شما آن ۳۰۰ نفر را انتخاب کنید، باز هم کسانی ناراضی خواهند بود. به نظر من، به جای صرف انرژی برای مآیوس کردن بر گزار کنندگان حراج تهران، بهتر است برای تقویت این فرصت انرژی صرف شود.

حراج تهران، فرهنگی-اقتصادی است

ما به دنبال هدف اقتصادی صرف نیستیم. حراج تهران یک پروژه فرهنگی-اقتصادی است و ما به عنوان برگزار کننده اهداف فرهنگی را دنبال می کنیم. شیوه عمل ما نشان می دهد که دنبال درآمد صرف نیستیم. کارنامه ای هم که در دوره های گذشته بر جا گذاشتم نشان می دهد که به دنبال هدف اقتصادی نبودیم، نیستیم و نخواهیم بود. باید تعداد حراج ها در کشور بیشتر شود یا فرصت های دیگر پیش بیاید که به واسطه آن ها هنرمندان بیشتری معرفی شوند.

نیاپداز ۱۲٪ بیشتر باشد!

هر حراجی مجبور است به مصالحه هایی با گالری ها تن بدهد و به مجموعه داران بزرگ که ضامن موفقیت حراج هستند، توجه کند. بی توجهی به آنها که می خواهند یک کار (نسبتا ضعیف) را به حراج وارد کنند، باعث می شود حراج کلیت خود را در مخاطره بیند؛ ولی تعداد این گونه آثار نباید از ۱۰ درصد کل آثار ارایه شده در حراج بیشتر باشد. کارهایی که ضعیف جلوه می کنند، در حراج تهران که ۱۲۰ اثر در آن ارایه می شود، از ۱۲ عدد بگذرد. برای این اتفاق بیفتد اعتبار حراج زیر سوال می رود؛ اما باید این ۱۰ درصد را بپذیریم، چون یک گالری که یک سال است فعالیت دارد و هنرمند به جامعه معرفی می کند. سرمایه شخصی خودش را در جهت توسعه هنر و معرفی هنرمند به جریان انداخته است. حالا ما نباید به عنوان قدرشناسی و انگیزه دادن، یک آرتیست را قبول کنیم؟ اگر این کار را نکنیم، به زحمت دیگران بی توجهی کردیم.

حراج تهران مالیات پرداخت می کند

ما برای برگزاری حراج تهران مالیات پرداخت می کنیم؟ آثار هنری به شرطی که اظهار شوند، از پرداخت مالیات معاف هستند. این حال مالیات های دیگری هست که باید پرداخت کنیم، مثل مالیات پرسنل و اجاره هتل یا دیگر کارهای اجرایی. عملیات برگزاری مالیات دارد که ما باید آن را پرداخت کنیم، ولی خود خرید و فروش آثار هنری مالیات ندارد.

تومان چکش خوردی بود! با اشاره به این که اگر حراج تهران را بزرگترین رویداد تجسمی کشور بدین معنی به گراف نگفته ایم، اظهار داشت: برگزار کنندگان حراج تهران ثابت کردند که دانش و تجربه و اعتبار لازم را جهت معرفی هنر و آثار هنری به جامعه و حتی جهان ارزش گذاری این گونه آثار دارند. حراج تهران بعد بین المللی هم داشت و در بسیاری از رسانه های بین المللی انعکاس داشت ولی قطعاً هنرهای تجسمی و دوستاندار و خریداران آن پتانسیل بیشتری از آنها دارند و انتظار جامعه هنری آن است که این حراج بتواند حداقل دو دوره در سال برگزار شود و حتی این مراسم در خارج از کشور هم باشکوه برگزار شود چون هنرمندان شایسته ای وجود دارند که هنوز به این حراج راه نیافته اند. برگزاری دو دوره در سال می تواند تعداد دیگری از این هنرمندان را که تاکنون مشارکت نداشته اند نیز شامل شود. وی افزود: حراج تهران برای این که بتواند موفق باشد نیاز به تعدادی قهرمان داشت که رکورد چشمگیری را بتواند رقم بزند البته این استراتژی درست بود و جواب هم داد. از حراج سوم به بعد قرعه این فال به نام سهراب سپهری نقش و شاعر بلند گزشتند، بنابراین بازار به این آثار روی خوش نشان داد و استقبال کرد و این استراتژی درست هم تا تاریخ مصرفی دارد و حراج پنجم باید از این استراتژی عبور کند تا نسلی زیر سایه نسل دیگر قرار بگیرد ولی از طرفی حضور ماهی های معتبری چون سهراب سپهری خود اعتبار یک حراج هستند و به عبارتی باید هم باشند و هم نباید باشند بدین معنی که آثار هنری در گذشتگان به تنهایی یک حراج مستقل و جداگانه ای می طلبد و نباید کنار هنرمندان نسل سوم و چهارم قرار گیرد.

تومان چکش خوردی بود! با اشاره به این که اگر حراج تهران را بزرگترین رویداد تجسمی کشور بدین معنی به گراف نگفته ایم، اظهار داشت: برگزار کنندگان حراج تهران ثابت کردند که دانش و تجربه و اعتبار لازم را جهت معرفی هنر و آثار هنری به جامعه و حتی جهان ارزش گذاری این گونه آثار دارند. حراج تهران بعد بین المللی هم داشت و در بسیاری از رسانه های بین المللی انعکاس داشت ولی قطعاً هنرهای تجسمی و دوستاندار و خریداران آن پتانسیل بیشتری از آنها دارند و انتظار جامعه هنری آن است که این حراج بتواند حداقل دو دوره در سال برگزار شود و حتی این مراسم در خارج از کشور هم باشکوه برگزار شود چون هنرمندان شایسته ای وجود دارند که هنوز به این حراج راه نیافته اند. برگزاری دو دوره در سال می تواند تعداد دیگری از این هنرمندان را که تاکنون مشارکت نداشته اند نیز شامل شود. وی افزود: حراج تهران برای این که بتواند موفق باشد نیاز به تعدادی قهرمان داشت که رکورد چشمگیری را بتواند رقم بزند البته این استراتژی درست بود و جواب هم داد. از حراج سوم به بعد قرعه این فال به نام سهراب سپهری نقش و شاعر بلند گزشتند، بنابراین بازار به این آثار روی خوش نشان داد و استقبال کرد و این استراتژی درست هم تا تاریخ مصرفی دارد و حراج پنجم باید از این استراتژی عبور کند تا نسلی زیر سایه نسل دیگر قرار بگیرد ولی از طرفی حضور ماهی های معتبری چون سهراب سپهری خود اعتبار یک حراج هستند و به عبارتی باید هم باشند و هم نباید باشند بدین معنی که آثار هنری در گذشتگان به تنهایی یک حراج مستقل و جداگانه ای می طلبد و نباید کنار هنرمندان نسل سوم و چهارم قرار گیرد.

«فرصت اشتغال فارغ التحصیلان هنر در دولت کمتر از یک درصد است» این جمله کلیدی را دکتر علیرضا سمیع آذر، رئیس اسبق موزه هنرهای معاصر تهران می گوید تا ریشه های بنیادین شکل گیری حراج تهران را بیان کند و به بخشی از مهم ترین سوالات درباره این اتفاق ملی پاسخ دهد: مدیر حراج تهران می اندیشد اقتصاد هنر ایران چنان قوام یابد که نسل جوان نقاش و مجسمه ساز و عکاس در فرآیند که همین نزدیکی است بتوانند از راه فروش آثار هنری شان امرار معاش کنند و در این راه سخت و پریچ وخم، حراج تهران که هشتم خرداد می گذشت با فروش ۲۱ میلیارد و ۴۰ میلیون تومانی گام چهارم را برداشت تازه در آغاز راه است؛ یک براند ایرانی در مارکت هنر. البته اقبال آن بلند است، شاهدش موج رسانه ای بر هیاهویی است که همچنان اخبار و تحلیل این حراجی را دنبال می کند.

ضعیف هستیم. ایران از نظر قدرت تولید هنر، قوی ترین کشور در خاورمیانه است و از نظر تعداد هنرمند، دانشگاه و بزرگی جامعه هنری نیز با مجموع داشته های کشورهای دیگر برابری می کند، اما از نظر قدرت ارایه، از کشور بسیار کوچکی مثل امارات ضعیف تر هستیم. حال مدتی است که حراج تهران در سطحی بر گزار می شود که قرار است این تسهیلات را ارایه کند.

۱۵ هزار هنرمندی که در نیویورک هستند می دانیم، برخی از هنرمندان که با رسانه ها مصاحبه می کنند، تا زمانی که در حراج تهران حضور نیابند، منتقد آن هستند، این هایی که منتقدند کدام شان در حراج تهران بوده اند؟ ممکن است یک هنرمند به حراج بیاید و از نتیجه آن راضی نباشد، ولی قطعاً واقع بینانه تر برخورد می کند. ما به مشکلات فنی برگزاری حراج واقف هستیم و هیچ کسی به اندازه ما ضعف های آن را نمی داند؛ ولی آنها به این نگاه می کنند که چرا فلاپی هست و دیگری نیست. در حالی که ما هم قلبا دوست داریم باشند. دقت داشته باشید این پدیده جهانی است؛ به عنوان مثال در شهرهای لندن و نیویورک ۱۵ هزار هنرمند هستند که تحصیلات دانشگاهی دارند و کمتر از هزار نفر آنها می توانند به حراج ها و گالری های درجه یک و ۲ راه پیدا کنند، بقیه چه کار می کنند؟

۳۹ هنرمند تازه در حراج چهارم تهران

حراج تهران اصلا فرصت بستهای نیست و درهای آن روی هر هنرمندی که در طول یک سال موفقیت خود را در مارکت های هنر نشان داده باشد، باز است. در همین دوره اخیر، ۳۹ هنرمند جدید که هرگز نه فقط در حراج تهران، بلکه به طور کلی در هیچ مارکت رسمی و شناخته شده هنر نبودند، به حراج وارد شدند. یک سوم

تقویت هنر بزرگترین گسترش حوزه از هویت ملی ماست

جامعه «هنر های تجسمی» بزرگترین بخش در جامعه فرهنگی کشور است. تعداد کسانی که در حوزه های مختلف تجسمی فعالیت می کنند و که در حوزه های دیگر مانند سینما، تئاتر، موسیقی و... فعالیت می کنند. این یک واقعیت است که اینها بخش بزرگی از کنشگران فرهنگی کشورند و نمی توانیم به مسائل اشتغال و معیشت آنها بی توجه باشیم و در عین حال انتظار شکوفایی و بالندگی هم از آنها داشته باشیم. این جمعیت قابل ملاحظه در حالی از دانشگاه فارغ التحصیل می شوند که کمتر از یک درصدشان فرصت اشتغال رسمی در ادارهای دولتی را دارند و بیشتر آنها مجبورند در خانه و اتلیه خودشان فعالیت کنند. این ۹۹ درصد چگونه باید زندگی کنند؟ در عین حال نباید فکر کرد که همه این کارها وظیفه دولت است. در دنیای پیشروی امروز همه وظایف بخش هنر روی دوش دولت نیست؛ تقویت هنر بزرگترین جلوه از هویت ملی ماست که در عین حال می تواند راهبرون رفت از مشکل فوق باشد؛ و این و فرانسه یا کشورهای دیگری که در حوزه صنعت موفق هستند، به شخصیت های فرهنگی و هنری خود توجه زیادی دارند که دنیا ستایش شان می کند و محصولات آنها برند می شود. هنر می تواند پشتوانه بخش های دیگر جامعه باشد، چون شخصیت ما را در دنیا ارتقا می بخشد و هویت ما را با تحسین دیگران مواجه می کند. چنین نهادهایی می توانند نهادهای ارایه کننده آثار هنری یا فروشنده آنها باشند. بخش خصوصی می تواند از عهده این کار بزرگ بر آید و این بخشی از انگیزه های شکل گیری حراج تهران است.

۱۵ هزار هنرمندی که در نیویورک هستند می دانیم، برخی از هنرمندان که با رسانه ها مصاحبه می کنند، تا زمانی که در حراج تهران حضور نیابند، منتقد آن هستند، این هایی که منتقدند کدام شان در حراج تهران بوده اند؟ ممکن است یک هنرمند به حراج بیاید و از نتیجه آن راضی نباشد، ولی قطعاً واقع بینانه تر برخورد می کند. ما به مشکلات فنی برگزاری حراج واقف هستیم و هیچ کسی به اندازه ما ضعف های آن را نمی داند؛ ولی آنها به این نگاه می کنند که چرا فلاپی هست و دیگری نیست. در حالی که ما هم قلبا دوست داریم باشند. دقت داشته باشید این پدیده جهانی است؛ به عنوان مثال در شهرهای لندن و نیویورک ۱۵ هزار هنرمند هستند که تحصیلات دانشگاهی دارند و کمتر از هزار نفر آنها می توانند به حراج ها و گالری های درجه یک و ۲ راه پیدا کنند، بقیه چه کار می کنند؟

تدریس می شود

با ارایه خوب می توان هنر متوسط را به فروش رساند، اما با ارایه بد نمی شود یک اثر خوب را به فروش رساند. ارایه خوب در شرایط استاندارد در دنیا به یک علم تبدیل شده و افرادی هستند که تخصص دوره هایی را می گیرند که به آنها یاد می دهد چگونه یک هنر را بهتر دستی ارایه کنند؛ بیش از یک دهه است که در سطوح بالای دانشگاهی، این موضوع که چگونه یک هنر را به خوبی ارایه کنیم، تدریس می شود و این موضوع باید در جامعه ما نیز ارتقا پیدا کند. متأسفانه ما در این زمینه

شهرنورد | حراج تهران همچنان بازتاب های وسیعی

در جامعه دارد؛ پرویز تناولی، منوچهر نیازی، علی اکبر صادقی، سید محمد احمادی و علی شیرازی نظرات خود را درباره این رویداد فرهنگی اقتصادی که با خلق رکورد ۲۱ میلیارد و ۴۰ میلیون تومانی مهم ترین رسانه های دنیا مانند فیکورا، فانتسمال تایمز و... را انگشت به دهان کرده است اعلام کرده اند.

پرویز تناولی مجسمه ساز جهانی ۷۸ ساله کشورمان که ۱۳ سال زندگی در نیویورک به وطنش بازگشته است و بیش از ۳۰ جایزه از کشورهای مختلف دریافت کرده گفت: حراج تهران، کاری فوق العاده است که هنر ایران را در عرصه جهانی دوباره مطرح کرده است. او افزود: هنرمندان معمولاً در زمان زندگی خود شرایط مالی مناسبی ندارند. اصولاً باید شده همه منتظر مرگ هنرمند باشند تا پس از مرگ ارزش آثار آنها بالا رود. اما این شرایطی به هنرمندان زنده توجه کرد و به یقین این رکورد تاریخی مستقیم بر ارتقای قیمت آثار هنری در ایران خواهد داشت. این نقاش پیشکسوت ادامه داد: دکتر سمیع آذر کار مهمی در تاریخ هنر ایران انجام داده و گام بزرگی برداشته که هنر تجسمی ایران را در سطح جهانی معرفی کرده است. تاریخ

هنر ایران از او نام خواهد برد و بسیاری از هنرمندان مدیون او هستند. نیازی دو اشکال در حراج تهران دید: «اول این که بعضی مجموعه داران فقط به دنبال آثار خاصی مانند کار سهراب هستند. در حالی که اگر عمیق فکر کنند، متوجه می شوند هنرمندان زیادی هستند که کارشان کم ارزش تر از سهراب نیست. دیگر این که قطعاً این کار در ابتدای ساختن های زیادی دارد و باید پایه جلو رود. بنابراین همه باید صبوری کنند، البته معلوم است عده زیادی از روی احساس خرید می کنند و اثر هنری را مانند ارز، سکه و... جمع می کنند اما همین هم امیدوار کننده است و باید تلاش شود این مارکتی که به راه افتاده به خوبی ادامه پیدا کند»

علی اکبر صادقی نقاش پیشکسوت ۷۸ ساله می گوید: تا به حال در هیچ حراج داخلی یا خارجی شرکت نکرده بودم و این بار به دلیل درخواست آقای سمیع آذر حاضر شدم در حراجی حضور داشته باشم. صادقی افزود: در مجموع برنامه حراج بسیار خوب بود و بسیار خوشحالم که حراج تهران در دنیا صدا کرده است؛ خوشحالم که دنیا فهمیده در ایران چنین برنامه ای برگزار شده و تعداد زیادی اثر هنری خریداری شده است.

صادقی دو انتقاد به چهارمین حراج تهران دارد؛ به نظر من، تعداد کار در حراج تهران خیلی زیاد بود و خریداران برای انتخاب کارها دچار مشکل می شدند و می مانند کدام

حالا دنیا می داند ایرانی هم برای هنر پول پرداخت می کند

اثر را انتخاب کنند. دیگر این که چون نمایشگاه حراج در سالن غیر تخصصی برپا می شود، نورپردازی کارها با مشکل مواجه بود. اگر چنین نکاتی در سال های آینده در نظر گرفته شود حتما برنامه کیفیت بهتری خواهد داشت؛ یک دل نگرانی هم دارم که نکند رکورد بالای برخی آثار باعث شود که باقی هنرمندان این کارها را الگوی خود قرار دهند.

سید محمد احمادی هنرمند شناخته شده ۷۶ ساله مان که یکبار یکی از نقاشی خپهایش در حراجی کرستیز مرز یک میلیون دلار را پشت سر گذاشت درباره حراج تهران معتقد است: «این حراج سبب می شود افراد جامعه به هنر توجه کنند. عده ای که در فرآیند مالی زندگی می کنند و توجه به هنر و زیبایی هم دارند و هنر در زندگی عادی شان دخالت می کند، به واسطه حراج می توانند به آثار هنری دسترسی داشته باشند. افراد پس از مدتی با عرضه آثار هنری یا یاد دوست آنها، متوجه لزوم زیبایی در زندگی می شوند. اگر چه من گمان می کنم در رویدادهایی مثل حراج تهران، نیازی به هنرنگی اندکی بر بعد دادوستد سایه انداخته است، در هر حال این حراج، پیامد مبارک است.»

علی شیرازی هنرمند ۵۵ ساله اثر نقاشی خط قره ای و مشکلی رنگی در چهارمین حراج تهران حضور داشت که این اثر توسط مجری حراج تهران، رضا کبانیان، ۵۵ میلیون

در پیچه